



جنگ آینده در شهرها^۱

(نقد و تحلیل کتاب)

حسین عساریان نژاد^۲

□ آشنایی با کتاب:

کتاب مورد معرفی یک گزارش تحقیقی است که به تجزیه و تحلیل و کیفیت و ماهیت عملیات شهری از زمان جنگ جهانی دوم تا کنون و تجربیات آمریکا در عراق پرداخته است. تحقیق مذکور با هدف ثبت یافته های جدید در مورد عملیات های نظامی در مناطق شهری انجام می شود و اهمیت تغییرات و تحولات به وجود آمده در این زمینه را مشخص می سازد و مواردی را به طور نمونه از جنگهای استالینگراد تا جنگ های شهری در عراق (بغداد، بصره، اربیل) و گروزی، پایتخت چین، با رویکرد ارزیابی شرایط دشوار حاکم بر نیروهای نظامی در محیط های جنگی شهری، بررسی می کند. این کار که در راستای یک پروژه تحقیقی با عنوان "جنگ شهری در آینده" (*Futures war In cities*) به سرپرستی آلیس هیلز و با حمایت ارتش آمریکا و در جهت ادامه برنامه توسعه فناوری نیروهای نظامی انجام گرفته، کتابی است که با رویکرد آموزشی و ادبیاتی تخصصی به نگارش در آمده است. مطالعه کتاب حاضر را به تمام افرادی که علاقمند به آگاهی در زمینه گرایش های نوین به چگونگی اجرای عملیات های شهری می باشند، توصیه می کنیم.

1. Futures war In cities - Alice Hills - Routledge - London - 2004 - 320p

۲. استادیار و عضو هیأت علمی دانشگاه عالی دفاع ملی

□ آنچه در کتاب آمده است:

کتاب جنگ آینده در شهرها از سه بخش با موضوع تدابیر عملیات نظامی در شهرها، عملیات موفق و پلیسی در شهرها و بازسازی موفقیت در نبرد شهری تشکیل شده است. در بخش اول که شامل سه فصل می باشد، می خوانیم:

این احتمال که نیروهای نظامی ایالات متحده در آینده هم چون حضور خود در عراق و افغانستان ناگزیر از انجام عملیات رزمی در مناطق شهری دیگر باشند روز به روز در حال افزایش است. دلایل زیادی برای این احتمال وجود دارد که از جمله می توان به توسعه شهر نشینی، رشد سریع جمعیت، تاکید نیروهای نظامی بر اجرای عملیات های پشتیبانی و استقرار ثبات و برقراری نظم پس از دوران جنگ سرد و دستیابی مخالفین آمریکا به فناوری های جدید که انگیزه ای برای روی آوردن آنان به جنگ در مناطق ساختمانی می باشد اشاره کرد.

آیس هیلز معتقد است شهرها علاوه بر داشتن پوشش فیزیکی از حمایتی سیاسی و نیز از وجود مقررات انتظامی و کنترلی و تدافعی برخوردار می باشند و این مسئله کارایی جنگ افزارهای سنگین از قبیل تانک ها، توپ ها و تجهیزات مشابه را کاهش می دهد. در این منازعات دشمن ضعیف ممکن است به منظور در امان ماندن از آتش سلاح های دشمن خود به شهرها پناه برده و از مردم بومی و غیرنظامیان به عنوان وسیله اعمال فشار سیاسی به نفع خود استفاده کند و اگر بپذیریم که این اتفاق خواهد افتاد دیگر جنگ در شهرها و مناطق مسکونی اجتناب ناپذیر خواهد بود و لذا پیشنهاد می نماید که سربازان آمریکایی آمادگی چنین جنگی را با توجه به تجربیاتی که از تاریخ نبردهای شهری از برلین تا عراق ذکر می نماید، کسب کنند.

مطالعات هیلز در این کتاب نشان می دهد که در عملیات های شهری بیش از هر چیز باید بر متغیرهای مرتبط با کنترل افکار عمومی و عملیات روانی که می تواند اراده مردم یک کشور مخالف را تحت کنترل در آورد، تاکید کرد. از نظر او ناگفته پیداست که این عوامل بیش از عواملی که پیشتر در جنگ های شهری همانند قدرت آتش، به کارگیری تیم های ویژه مرکب و... مهم شمرده می شدند حائز اهمیت است. اگرچه از بین بردن نفرات دشمن هنوز مؤثرترین روش برای شکست

روحیه رزمی دشمن محسوب می شود، ولیکن نتایج غیرمستقیم حاصله از به کار بستن برخی عوامل مرتبط با عملیات روانی، به ویژه استفاده از رسانه های خبری، بیشتر و گسترده تر از نتایج حاصل از کاربرد آتش جنگ افزارها می باشد.

نویسنده در این گفتار به پیشرفت های فناوری و تحولات اجتماعی و سیاسی دهه گذشته (۲۰۰۳-۱۹۹۳) اشاره نموده و تاکید دارد که عوامل زیر در مقایسه با گذشته از اهمیت بالنسبه بالاتری برخوردارند:

۱. وسایل ارتباط جمعی (رسانه های خبری)

۲. حضور غیرنظامیان در شهرها

۳. مقررات و قوانین مربوط به جنگ

۴. ابزارهای عملیات اطلاعاتی از قبیل عملیات روانی، تبلیغات و امور فرهنگی و امور غیرنظامی

۵. راهبرد سیاسی -- نظامی

۶. فناوری اطلاعات

از این رو، به زعم آلیس هیلز سوابق تاریخی کشورها، واکنش های تند و نامتقارن و تغییرات سیاسی در نحوه استفاده از زور دست به دست هم داده و پاسخ به سؤال دیرینه ای را که قدرت های نظامی شناخته شده از قدیم با آن مواجه بوده اند، (چگونه می توان درجنگ شهری درحوزه دشمن پیروز از صحنه بیرون آمد؟) پیچیده تر ساخته است؛ به علاوه سؤال دیگری نیز مطرح می باشد که هیلز آن را این گونه بیان می کند: چگونه می توان با در نظر گرفتن محیط عملیاتی در جنگ شهری، در چنین عملیاتی وارد شد و تلفات را در سطحی پایین تر از آستانه تحمل افکار عمومی حفظ کرد؟

آلیس هیلز با توجه به بررسی موردی در عملیات های شهری از جمله حملات غیر نظامیان عراقی در بغداد علیه سربازان آمریکا معتقد است، تحولات سیاسی، اجتماعی تغییراتی را در نحوه تلقی و شیوه های اجرایی عملیات های نظامی در مناطق شهری پدید آورده است. تحولاتی هم چون رشد فناوری اطلاعات، افزایش

نقش وسایل ارتباط جمعی و رسانه های خبری، تراکم جمعیت غیر نظامیان در شهر، تحول در گرایش های اخلاقی جنگ، گسترش فزاینده عملیات های بشردوستانه، وقوع شورش های متعدد و واکنش های تند و غیرقابل پیش بینی علیه آمریکا در عراق که بر اهمیت عملیات اطلاعاتی و فعالیت های مرتبط با آن بیش از پیش صحنه گذاشته است. عملیات مردم عراق بر روی گرایش ها، بینش اعتقادی، احساسات و عواطف، اراده و روحیه افراد آمریکایی درگیر در این عملیات ها به شدت تأثیر می گذارد. هیلز نتیجه می گیرد که یکی از مشخصه های بارز عملیات نظامی در شهرها، لزوم توجه به افکار عمومی، مسأله تلفات و فعالیت های بشردوستانه می باشد و از آن جا که عملیات شهری به شدت بر مسائل اخلاقی و انسان دوستانه تأثیر می گذارد، به همین جهت توجه به اخلاقیات در میان نیروهای نظامی که تجربه حضور در این صحنه ها را داشته اند، اهمیت یافته و آنها را تحت الشعاع خود قرار می دهد.

تحولاتی که امروزه ماهیت عملیات نظامی آمریکا در شهرهای عراق را تغییر داده اند، ارزش و جایگاه مباحثی همچون نقش رسانه های خبری در جنگ، حضور غیرنظامیان در منطقه نبرد، رعایت قوانین و مقررات جنگی، شیوه های اطلاعاتی عملیاتی مانند جنگ روانی و تبلیغات است که راهبردهای سیاسی نظامی او را ارتقاء بخشیده است. از آنجا که غالباً این عوامل به طور همزمان در عملیات های نظامی حضور و تأثیر می گذارند بنابراین یک راهبرد سیاسی نظامی زمانی موفق خواهد بود که ابزارهای عملیات اطلاعاتی را با وسایل ارتباط جمعی تلفیق نماید. به عنوان مثال، توجه به تبلیغات و امور فرهنگی سربازان آمریکایی در اربیل و موصل هم چون عملیات شهری انجام امور عام المنفعه مردم و غیرنظامی ها و عملیات روانی می تواند نوع گرایش و درک سیاسی مردم بومی ساکن در منطقه عملیاتی را تحت الشعاع قرار دهد. و لذا به کارگیری اهرم هایی همچون جنگ روانی به همراه امور غیرنظامی بر شمرده شده توانسته است کمک مؤثری شود تا آمریکایی ها قبل از هر حمله و شروع درگیری آماده مقابله شده یا منطقه را ترک کرده، آنجا را تخلیه نمایند.

درشرایطی که جمعیت یک شهر از تعداد بالایی برخوردار باشد، می توانند پشتیبانی فوق العاده و حائز اهمیتی را برای نیروهای مردمی عراق فراهم آورند. غیرنظامیان عراقی ممکن است با مخفی نمودن افراد و تامین اطلاعات مورد نیاز آنان نقش فعالی را در عراق به عهده گیرند. در جهان امروز که عصر جنگ های محدود نام گرفته است، تلاش برای غلبه بر اراده دشمن مستلزم به کار بستن شیوه های سازمان یافته ای است که به وسیله آن بتوان عملیات تبلیغی و روانی را با نیروی نظامی تلفیق نمود. ابزارهای عملیات روانی و تعدیل مقررات جنگی در شهرها روی هم رفته می توانند تأثیرات فراوانی را در آن دسته از عملیات های شهری که غیرنظامیان در آنها باید نقش محوری ایفا کنند، برجای بگذارند. پیش بینی می شود که در مخاصمات آینده، دستگاه های تبلیغاتی بر اهمیت فراوان تأثیرات خود در جنگها کاملاً واقف گردیده و از آنها به عنوان عاملی تعیین کننده در مقابله با تحرکات و واکنش های دشمن در شهرها استفاده نمایند.

جنگ شهری می تواند این امکان را برای دشمن فراهم آورد تا تلفات بیشتری را بر نیروهای خودی وارد نماید. حضور مردم عادی عراق در مناطق شهری معمولاً مستلزم رعایت برخی مقررات محدود کننده جنگی است که باعث می شود تا از به کار بستن جنگ افزارهای سنگین جلوگیری یا میزان تأثیر و تخریب آنها کنترل شود. براین اساس عمده‌تأ عناصر مخالف حضور آمریکا، برای در امان ماندن از تأثیر این جنگ افزارها و یا برای کاستن از تأثیرات قدرت نظامی سربازان آمریکایی از محیط شهرها استفاده می کنند تا بتوانند آنها را به جنگ تن به تن یا جنگ نفر با نفر بکشانند.

از نظر هیلز، جنگ شهری قبل از هر چیز یک نبرد پیاده است. ماهیت آن به گونه ای است که نیاز چندانی به فناوری پیشرفته ندارد. بنابراین توسعه و نوسازی نیروها که معمولاً شامل افزایش قدرت آتش یا توان کنترل تلفات نیروهای پیاده نظام است مصداق ندارد و سربازان پیاده همچنان در مقابل آتش سلاح های سبک دشمن آسیب پذیر خواهند بود. قدرت آتش تانک ها و جنگ افزارهای پشتیبانی آتش ممکن است قابل افزایش باشد؛ ولی به دلیل وجود برخی مقررات محدودکننده که در عراق از سوی ارتش آمریکا وضع گردیده است. در بیشتر مواقع تفنگ های

کالیبر بزرگ و راکت ها از کارایی چندانی برخوردار نیستند. حتی در صورتی که چنین جنگ افزارهایی در شهرها مورد استفاده قرار گیرند مهم این است که نیروهای آمریکایی از حفاظت مناسبی برخوردار شوند. به علاوه مهم ترین امتیازی که برنامه توسعه و نوسازی در ارتش آمریکا به دنبال آن است (یعنی کسب تفوق بر دشمن از نظر شناخت وضعیت) در وضعیت های حاکم بر شهرهای عراق به طور جدی تحت الشعاع قرار گرفته و پاسخ منفی می دهد.

از نظر آلیس هیلز به پیشنهاد بسیاری از صاحب نظران و مؤلفان، اینک زمان آن فرا رسیده است تا تجربیات حاصل از جنگ های شهری براساس مطالعه و تحقیق در عملیات های سال های اخیر مجدداً تدوین گردند. تجاربی که به سال های قبل از دهه ۱۹۸۹ مربوط می شوند و ممکن است به موضوع این کتاب نیز مرتبط نبوده و یا از اهمیت کم تری برخوردار باشند. به نظر می رسد وقوع جنگ در شهرها، امروزه در مأموریت هایی غیر از جنگ های متعارف و گسترده محتمل باشد.

در طول دهه گذشته مجموعه عواملی نظیر حضور رسانه های جمعی، وجود غیرنظامیان، مقررات محدود کننده، ابزارهای عملیات اطلاعاتی هم چون جنگ روانی، تبلیغات و امور مشابه و راهبرد سیاسی نظامی نسبت به دیگر کارکردهای تهاجمی و نظامی از اهمیت و تأثیر بیشتری برخوردار شده اند و برخی عوامل دیگر نظیر آگاهی از وضعیت زمین، اطلاعات صحنه، قدرت تهاجم، غافلگیری، سطح فناوری، به کارگیری نیروهای مرکب و عملیات مشترک از لحاظ اهمیت و جایگاه و میزان تأثیر بدون تغییر باقی مانده اند.

لیکن به کارگیری قدرت هوایی، علی رغم آن که در عملیات های نظامی امروزی اهمیت دارد؛ ولی امتیاز چندان مهمی به حساب نمی آید؛ به ویژه این که جنگ افزارهای هوا به زمین هنوز دقت کافی را در درگیر شدن با نیروهای زمینی، با توجه به امکان کنترل خسارات و تلفات به غیرنظامیان پیدا نکرده اند.

پشتیبانی نیروی عمل کننده در یک محیط شهری و سازمان های وابسته دیگر در وضعیت اضطراری و یا امداد رسانی بسیار مهم و برجسته است. در این عملیات ها به توانایی های سازمانی، تجهیزاتی و انسانی نیروی زمینی در عوض توانایی های

رزمی آنها نیاز هست. این توانایی ها در یک مأموریت پشتیبانی، اغلب مستلزم نیروهای ترابری، پزشکی، سررشته داری و یا مهندسی نیروی زمینی است.

عملیات شهری نیروی زمینی در مناطق شهری خارجی اغلب مشترک بوده و دارای رکن چند ملیتی می باشد. چنانچه نیروهای چند ملیتی به درستی با یکدیگر هماهنگ و یکپارچه شوند، اثربخشی نظامی (و همچنین سیاسی) عملیات به میزان قابل توجهی افزایش خواهد یافت. ایجاد هماهنگی و یکپارچگی منطقی و صحیح میان نیروهای چند ملیتی در عملیات شهری مستلزم شناخت کامل محیط شهری و ماهیت انفرادی هریک از نیروهای چند ملیتی است. این شناخت شامل مشخصه‌های سیاسی، فرهنگی و تاریخی نیروهای سایر کشورها بوده و در ضمن، عواملی از قبیل دکترین ملی، توانمندی های نظامی و نقاط قوت و ضعف آنها را در بر می گیرد. در عملیات شهری این ملاحظات از اهمیت اساسی برخوردار است، زیرا باعث تغییر جمعیت شهری نسبت به نیروهای چند ملیتی به ویژه هنگامی که آنها در تعامل با مردم هستند، می شود. ترکیب این شناخت با یک سیستم مؤثر فرماندهی و کنترل، همراه یک ارزیابی مشابه از محیط شهری، منجر به اثربخشی عملیات شهری خواهد شد.

جنگ های شهری دهه گذشته نشان داده اند که امروزه آگاهی کامل از وضعیت صحنه عملیات، هدفی سخت و پیچیده است. به نظر می رسد و دلیل عمده برای این تنگنا وجود دارد: عدم دسترسی کامل به اطلاعات پیچیده و حساس شهری و عدم توانایی در انتقال اطلاعات به دلیل شرایط نامساعد الکترومغناطیسی و ارتباطی شهری.

در عملیات های شهری دهه اخیر، نیروهای منظم بیش از هر چیز بر ارتباط بی سیم متکی بوده اند. این نوع ارتباط در محیط های شهری معایب فراوانی دارد، از جمله اینکه سیگنال های مخابراتی ضعیف شده یا از بین می روند، یا در اثر مسدود شدن کانال ها و تداخل امواج بی سیم های دیگر، ارتباط قطع می گردد. سیگنال های رادیویی همچنین ممکن است توسط ساختمان ها، تجهیزات و سایر امواج الکترومغناطیسی جذب شده یا منعکس شوند.

در حالی که عملیات شهری در یک صحنه عملیات می تواند شامل مجموعه وسیعی از عملیات های نیروی زمینی شود، آفند و پدافند برای موفقیت، محوری و سرنوشت ساز است. عملیات شهری در یک مقایسه با عملیات شهری کوچک مقیاس یا به عنوان بخشی از اقدامات زمان صلح به لحاظ غیرنظامیان و خسارات غیرنظامی محدودیت کم تری دارد، زیرا منافع ملی حیاتی در خطر قرار می گیرد. بنابراین عملیات شهری در جنگ صحنه ی اصلی، متضمن سرمایه گذاری فوق العاده منابع از همه نوع خواهد بود و به احتمال فراوان مستلزم یگان های تخصصی مانند یگان های عملیات روانی، امور غیرنظامیان و نیروهای عملیات ویژه^۱ خواهد بود.

برای اقدام موفقیت آمیز در یک محیط شهری پیچیده، به آموزش عملیات شهری واقع بینانه و حساب شده نیازمندیم. آموزش به وسیله ی گروه رسته ای مرکب اجرا می شود، طیف وسیعی از عملیات های زمینی را پوشش می دهد و همچنین موارد زیر را چند بار تکرار می کند:

- ۱) تأثیر روانی رزم نزدیک و سخت در برابر دشمن ورزیده؛
- ۲) اثرات حضور غیرنظامیان در مجاورت نیروی های زمینی؛
- ۳) مشکلات پزشکی و لجستیکی مرتبط با عملیات در یک منطقه شهری.

در بین تمام محیط هایی که عملیات در آنها انجام می گیرد، محیط شهری تنها محیطی است که فرماندهان نیروی زمینی را با مجموعه ای از مشکلات که به ندرت جای دیگر یافت می شود، مواجه می سازد. ویژگی های بارز این محیط از توپوگرافی پیچیده و تراکم بالای جمعیتی ناشی می شود. پیچیدگی توپوگرافی ریشه در عوارض مصنوعی و زیر ساخت های حمایتی دارد که بر زمین طبیعی منطبق است. صدها، هزاران و یا میلیون ها غیرنظامی ممکن است با سربازان (خواه خودی و خواه دشمن) نزدیک بوده یا با آنها معاشرت کنند. این عامل دوم و بعد انسانی ناشی از آن، به طور بالقوه مهم ترین و بغرنج ترین عامل برای فرماندهان و افراد زیر دست آنان است که باید آن را درک کرده و آن را ارزیابی کنند.

^۱ . Sof: Special Operation Forces

هرگونه تغییر در حمایت از جنگ تا حدود زیادی بر تمایل فرماندهان ارشد و مقامات سیاسی در جهت ادامه به خطر انداختن جان سربازان و پیاده نظام در شهرها اثر خواهد گذاشت. اگر تلفات وارده برای دستیابی به هدف های نظامی بیش از ارزش منافع حاصل از جنگ باشد، فشارهای سیاسی ممکن است به احتمال زیاد موجب تعدیل در سیاست ها، انطباق بیشتر با قوانین بین المللی جنگ و یا حتی پایان بخشیدن به جنگ گردد. از این جهت لازم است حتی الامکان با توسل به یک راهبرد سیاسی- نظامی حساب شده، تلفات انسانی را به پایین تر از آستانه تحمل مردم برسانیم.

پیش از آغاز تهاجم به گروزی در دسامبر ۱۹۹۴، پاول گراچف وزیر دفاع روسیه قول داده بود که در حمله به شهر از تانک یا توپ استفاده نکند. بوریس یلتسین رئیس جمهور وقت نیز در مصاحبه تلویزیونی خود اعلام کرده بود:

"به خاطر حفظ جان مردم، به فرماندهان دستور داده ام که هرگاه احتمال وارد آمدن تلفات به مردم در اثر بمباران های هوایی وجود داشته باشد از این کار خودداری کنند."

اما بعدها گراچف اعلام کرد:

"روشن است که محدودیت های ناشی از اعمال مقررات جنگی موجب تقلیل کارایی رزمی نیروها شد؛ ولی همین رویکرد در عمل زندگی بسیاری از افراد را به خطر انداخته و سبب تضعیف روحیه و احساس شکست در سربازان روسیه شد."

قوانین و مقررات، چگونگی به کارگیری نیروی نظامی را تنظیم و کنترل می نماید. این امر به نوبه خود بر میزان تلفات نیروهای خودی و غیرنظامیان مؤثر است. پیش بینی و به اجرا گذاردن مقررات انعطاف پذیر و قابل پیش بینی رخدادهای در محیط شهری به گونه ای که نه سختگیرانه و شدید باشد و نه تخطی از آن با سهولت امکان پذیر گردد، جایگاه ویژه ای در تبیین راهبرد سیاسی - نظامی داشته و مستقیماً بر روحیه و اراده رزمی دشمن تأثیر می گذارد.

هر چند که برای فرماندهان عملیات شهری، همواره امکان زیر پا گذاردن مقررات درگیری وجود دارد زیرا آنها مجبورند از کاربرد توپخانه، تانک و قدرت هوایی استفاده

کرده و خطر تلفات سنگین سربازان خود را کاهش دهند لذا با به کار بستن آزادانه چنین جنگ افزارهایی، عواقب ناشی از خسارات و صدمات بر غیرنظامیان را بر خود تحمیل می نمایند. بروز شرایط غیر قابل پیش بینی در عملیات های نظامی، مسئله جدیدی نیست. از نقطه نظر تاریخی، نیروهای غیر منظم همواره عملیات خود را با توجه به محدودیت ها آغاز می کنند و عملاً به دلایل خاص مانع از به کارگیری جنگ افزارهای سنگین می شوند؛ اما پس از تحمل تلفات غیرقابل قبول و سنگین مجبور می گردند تا از مقررات سرپیچی نمایند.

بسیاری از جنگ افزارها برای محیط شهری مؤثرند؛ در حالی که برخی دیگر از سلاح ها حتی شاید دارای امتیازات بیش تری باشند. ماهیت سلاح های دشمن شهری بسیار شبیه ماهیت شهرنشینی و محیط شهری می باشد: ابداعی و متنوع. بسیاری از دشمنان به طور گسترده فناوری های موجود را با سامانه های جنگ افزاری و نیروهای رزمنده خودی همراه می سازند. اگر چه تفنگ تک تیراندازان، سلاح های کوچک و قابل حمل، بمب های هوشمند و نیز دیگر وسایل و مواد منفجره ویرانگر در صحنه محیط شهری به احتمال فراوان نقش بیش تری ایفا خواهند کرد.

دشمن ممکن است همه یا قسمتی از نیروهای زمینی را در عملیات های متوالی درگیر نماید تا استعداد و قدرت انطباق خود را در برابر فشارهای روانی افزایش دهد. عملیات شهری به دلیل ماهیت خود تعداد زیادی تلفات ناشی از فشار روانی رزم دربردارد و عملیات های مستمر این مشکل را دو چندان می کند. دشمنی که از این تاکتیک سود می برد اغلب تعداد بسیار زیادی از نیروها را در حالت احتیاط نگه می دارد تا تأثیر فشار روانی را بر نیروهای خود به حداقل رساند. دشمن در عملیات شهری برای کاهش فشار روانی رزم بر نیروهای خود به احتمال فراوان به مانور، آتش های دقیق و عملیات های همزمان نیاز دارد که این امر خود متضمن نیروهای ویژه می باشد. نیروهای دشمن از هر نقطه ضعفی سود برده و در هر زمان که فرصت باشد در رزم درگیر می شوند.

تجربه سال ۱۹۹۴ روسیه در چچن، نشانگر انگیزه مهم و روزافزون اجرای عملیات های شهری است. شورشیان چچن پس از ناکامی در درگیری با نیروهای روسی در بیرون از شهر، ترجیح دادند گروزی را به میدان رزم تبدیل کنند. این

گونه امتیازات ناشی از فعالیت در یک محیط شهری است که نیروها را وادار می‌کند تا به منظور آماده سازی شرایط برای یک طرح نبرد بزرگ تر و رزم قطعی در منطقه‌ای دیگر اقدام به عملیات شهری کنند. عملیات شهری می‌تواند دشمن را در یک منطقه شهری متمرکز کرده و اجرای عملیات را در منطقه ای دیگر برای نیروها امکان پذیر نماید. از نقطه نظر پدافندی، یک دفاع شهری می‌تواند باعث امور زیر شود:

به دست آوردن زمان و فضا برای سازماندهی مجدد نیروها در مواضع پدافندی جدید؛ نیروهای دشمن را از وظایف اصلی منحرف سازد و در آمادگی نیروها برای انجام عملیات آفندی مؤثر واقع شود. این دلایل تا اندازه ای نیروهای شوروی را در دفاع از لنینگراد و استالینگراد در جنگ جهانی دوم در برابر آلمان‌ها تحریک می‌کرد. دفاع سرسختانه به نیروهای شوروی امکان بازسازی برای عملیات های آفندی بعدی را اعطا کرد. از نقطه نظر آفندی، حمله به منطقه ی شهری شاید بتواند عملیات مورد استفاده برای انحراف منابع از عملیات قطعی آنی را شکل دهد.

جنگ چچن، شیوه های گوناگون عملیات های شهری را از عملیات ضربتی و سریع در شهرهای بودیونوفسک و قیزیل آغاز و تا جنگ شدید تمام عیار در گروزنی ادامه دارد. همچنین این نبردها آخرین و نزدیک ترین نمونه از جنگ هایی است که یک گروه شورشی توانسته است در پناه آن یک قدرت نظامی و بزرگ را تنها با اتکا به یک راهبرد برتر سیاسی - نظامی در یک محیط شهری به زانو در آورد. آنچه شگفت انگیز است این است که یک گروه شورشی نسبتاً کوچک موفق گردید ارتشی را که بیشترین تجربه جهانی را در عملیات شهری دارا بوده، به شکست بکشاند.

از آنجا که جنگ گروزنی از یک درگیری چند هفته ای فراتر رفته و بسیار گسترده تر از نبردهای موگادیشو (پایتخت سومالی) بود. سیر تحول راهبرد تاکتیک های به کار گرفته شده توسط نیروهای روسی، نیازمند توضیح بیشتری است. اصلی ترین راهبرد روس ها در چچن این بود که آنها سعی می کردند اتحاد و همبستگی مردم چچن را تهدید کرده و حس همکاری و مشارکت را در آنها از بین ببرند تا از حمایت و پشتیبانی رزمندگان مسلمان خود دست بردارند. آنها شهرها و روستاها را با هواپیما و بالگردهای غول پیکر می کوبیدند تا هر گروه به تنهایی اقدام به امضای قرارداد

آتش بس با آنها نماید. آنها علی رغم تاکتیک های ضعیف و ناشیانه در اولین تهاجم خود به گروزی، دکتترین کاملی را برای عملیات نظامی در مناطق شهری در پیش گرفته بودند که بر پایه تجارب گسترده آنها در حین جنگ جهانی دوم و پس از آن قرار داشت.

به کارگیری نیروی نظامی در عملیات شهری، می تواند علاوه بر کشته شدن و انهدام نیروهای دشمن موجب وارد آمدن تلفات به نیروهای خودی، تحمیل خسارت و تلفات به غیرنظامیان، ایجاد درد و رنج و آوارگی برای انسان های بی گناه، و تخریب ساختمان ها و تأسیسات زیر بنایی آنان گردد. جدای از آنکه تمام این اتفاقات در معرض دید دوربین های خبرگزاری ها و رسانه های ارتباط جمعی قرار خواهد داشت و مردم جهان به سرعت در جریان خسارات و تلفات وارده قرار می گیرند. انعکاس حوادث مختلف مربوط به جنگ مستقیماً و از نزدیک توسط خبرنگاران در قالب حتی کوچکترین حرکت تاکتیکی، می تواند آثار راهبردی وسیعی بر جای گذارد. اطلاعات دقیقی وجود دارد که نشان می دهد پشتیبانی مردمی از جنگ در اثر افزایش تلفات نیروهای نظامی نوسان می یابد.

بنابراین چنانچه رسانه ها بتوانند پوشش خبری مناسبی از نتایج و آثار جنگ فراهم نمایند و بحث و تحلیل مناسبی در این زمینه ها صورت گیرد ممکن است بر پشتیبانی داخلی، اراده سیاسی شهروندان بومی و نیز افکار عمومی بین المللی مؤثر واقع گردد.

با آنکه مناطق شهری دارای شباهت های عمومی اند، هر محیط از دیگری متمایز بوده و به نیروهای زمینی و عملیات آنها به طور متفاوت واکنش نشان داده و بر آن تأثیر می گذارد. یک رویکرد تاکتیکی مؤثر در یک منطقه به دلیل تفاوت های فیزیکی، از جمله الگوی خیابان ها یا نوع ساخت بناها شاید در منطقه ای دیگر ناکارآمد باشد. یک سیاست نظامی مورد رضایت یک گروه شهری ممکن است به دلیل تفاوت های فرهنگی گوناگون موجب ناخشنودی یا دشمنی گروه دیگری شود. تمام مشکلات بالقوه وجود دارند؛ اما این مشکلات پیچیدگی عمل نیروهای نظامی و زمینی را در محیط شهری افزایش می دهند.

آرام سازی در یک محیط شهری متضمن عملیات های پشتیبانی، آفندی و پدافندی همراه دیگر وظایف منحصر به فرد در راستای کنترل غیر نظامیان است. نیروهای عمل کننده شهری کنترل غیر نظامیان را به دلایل مختلفی، از جمله ضرورت تخلیه، حفظ صلح و یا پشتیبانی آنان از شورشیان انجام می دهند. عملیات ها و موفقیت در آنها نیز متضمن قابلیت آفندی هستند تا هرگونه توانایی نظامی که به طور آشکار اهداف خود را پیش از آنکه دشمن بتواند به طور معکوس بر عملیات تأثیر گذارد از بین ببرند.

عملیات مشترک هر سه شاخص موفقیت را در عملیات شهری (دقیق، سریع و شدید) به مورد اجرا گذاشته شده است. معمولاً این نوع عملیات با همکاری و هماهنگی نیروی هوایی و زمینی انجام گرفته است؛ اما به طور کلی نقش آن در مقایسه با نبردهای شهری مربوط به قبل از ۱۹۸۲ تفاوت چندانی نکرده است.

مشکلات موجود در زمینه فرماندهی، کنترل و مخابرات نیز همانند گذشته، بر نحوه اجرای عملیات های مشترک مؤثر است. مطالعه موارد جنگ های شهری دهه ۱۹۹۰ این دکترین (نظریه) قدیمی را که عملیات مرکب در کاهش میزان تلفات نیروهای خودی مؤثر است، تأیید می کند.

از سوی دیگر، استفاده از تیم های مرکب و کارآزموده منجر به وارد آمدن صدمات و خسارات بیشتر به طرفین درگیر و تحمیل تلفات سنگین به غیرنظامیان می گردد. به همین دلیل برخی قوانین و مقررات، به کارگیری نیروی مرکب را مجاز نمی دانند. پرواضح است که قوانین و دستورالعمل هایی که محدودیت هایی در استفاده از نیروی مرکب قائل می شوند، تهدیدات رزم در شهرها را بالا می برند. در عملیات های شهری دقیق و ضربتی، به طور کلی از به کارگیری نیروی مرکب جلوگیری به عمل می آید.

وسایل ارتباط جمعی طی سال های اخیر بنا به دلایلی از اهمیت و جایگاه ویژه ای برخوردار گردیده اند؛ تعداد تماشاگران رسانه های تصویری به شدت افزایش یافته و حمل و نقل امکانات فناوری اطلاعات که در اختیار خبرنگاران قرار دارد آسان تر شده است. آنان طی یک دهه گذشته (۲۰۰۳ - ۱۹۹۳) توانسته اند به راحتی در مناطق

اجرای مأموریت های استقرار صلح و خطوط حائل حضور یابند. اغلب کشورهای در حال جنگ، رسانه ها را ابزار اطلاعاتی مناسبی برای اجرای عملیات هایی نظیر جنگ روانی، عملیات اطلاعاتی، تبلیغات و امور فرهنگی و امور غیرنظامی یافته اند. عملیات های شهری اخیر این نکته را که موفقیت هرگونه راهبرد سیاسی - نظامی در گرو توجه به نقش رسانه های خبری است به اثبات می رساند.

عملیات روانی به اقداماتی گفته می شود که در آن اطلاعات گزینش شده ای به منظور تحت تأثیر قراردادن احساسات، انگیزه ها، گرایش ها و در نهایت رفتارهای مخاطبین در اختیار آنها قرار داده شده و سبب کنترل رفتار آنان می شود. امور غیرنظامیان نقش پشتیبانی از عملیات روانی را بر عهده می گیرد زیرا ارتباط لازم را بین نیروی نظامی، مقامات محلی و عموم مردم کشور هدف برقرار ساخته، حفظ کرده و تقویت می نماید.

بررسی عملیات های شهری تا کنون نشان می دهد که وضعیت نظامی، مدت زمان ادامه عملیات، شرایط خاص حاکم بر جنگ غیرنظامیان در عملیات رزمی نقش تعیین کننده ای را ایفا می نماید.

اصولاً دفاع از شهری مانند گروزی در شرایطی که آفندکننده قادر به جداسازی آن نباشد، چندان دشوار نیست. شاخصه رزم غیرخطی بین گروه ها و دسته های پیاده، هنوز در جنگ هایی که در شهرها اتفاق می افتد مشاهده می شود. نقش تیم های مرکب هم اکنون نیز در عملیات های شهری چشمگیر بوده و به کارگیری آنها امتیازی برای آفندکننده به حساب می آید. تأثیر غافلگیری و به کارگیری سلاح های مدرن و فناوری پیشرفته نه تنها نسبت به گذشته ارزش بیشتری نیافته است؛ بلکه مشخص نیست که به کارگیری آن بتواند در نتایج رزم تأثیر مثبت داشته باشد. به عنوان مثال، کارایی امکانات هوایی در برابر چریک های دشمن در شهرها که مسلح به موشک های دوش پرتاب پدافند هوایی (سام) یا آر.پی.جی می باشند به شدت آسیب پذیر به نظر می رسد؛ علی رغم آن، به کارگیری آنها علیه مواضع مشخص و درآب و هوای صاف و روشن هنوز گاهی اوقات مؤثر می باشند.

محیط شهری نامنی های نیروهای عمل کننده را در عملیات های شهری، پشتیبانی، آفندی و پدافندی افزایش می دهد. هم فیزیک زمین و هم جمعیت شهری باعث اختفا و پوشش دشمن می شوند. تحرک هوایی نیز کم و بیش به همین دلایل آسیب پذیر است. دشمن در عملیات های آفندی و پدافندی می تواند بدون آنکه شناسایی شود در ساختمان ها و در مواضع برای کمین زدن به نیروهای زمینی باقی بماند.

در جدیدترین جنگ های شهری، حضور غیرنظامیان به نحو چشمگیری تاکتیک های جنگی، نوع طرح ریزی، قوانین و مقررات جنگی و راهبرد سیاسی- نظامی را تحت تأثیر قرار داده است. تعداد و حضور غیرنظامیان بسیار زیاد گشته و نقش فعالی در جنگ دارند، حضور آنها محدودیت های بیشتری را در مقررات جنگی ایجاد کرده و رسانه های خبری را به سوی خود جلب می کند.

افزایش حضور غیرنظامیان در شهرها نیاز به وضع قوانین و مقررات محدود کننده عملیات نظامی را بیشتر کرده است. زیرا کشتار غیرنظامیان توسط نیروهای نظامی، نوعی امتیاز برای دشمن محسوب شده، هر گونه پشتیبانی بین المللی و حمایت های داخلی از اجرای عملیات را تضعیف نموده و انگیزه مقاومت را در میان شهروندان بومی تقویت می کند و امکان طرح دعاوی حقوقی از طرف بازماندگان قربانیان عملیات نظامی را در شهرها شدت می بخشد که تبعات آن به راحتی قابل مدیریت نیست.

نویسنده معتقد است تحولات سیاسی، فناوری و اجتماعی در سال های اخیر، شیوه توجیه عملیات و اجرای جنگ های شهری توسط کشورهای طرفدار دموکراسی را متحول ساخته است. فناوری اطلاعات، سوابق تاریخی کشورها، برخورد ملت ها در برابر برتری نظامی روزافزون آمریکا، تحول در معیارهای اخلاقی و توجیهات سیاسی متغیر در ارتباط با استفاده از نیروی نظامی، همگی دست به دست یکدیگر داده و مشکل راهبردی قدیمی را که فراروی آمریکا وجود داشته، پیچیده تر ساخته است. پس چگونه آمریکا می تواند در عملیات محدود شهری خود در عراق، سطح تلفات را از آستانه تحمل افکار عمومی پایین تر نگاه دارد؟

هنگام ارزیابی و تعیین وظایف در عملیات شهری، فرماندهان میزان تعامل با جمعیت شهری را مورد توجه قرار می دهند. یک نیروی نظامی مربوط به کشوری با اکثریت مسلمان، احتمالاً بهتر از نیروی نظامی کشور دیگری که دینی غیر از اسلام دارد، با یک جمعیت شهری مسلمان تعامل خواهد نمود. در چنین وضعیتی، به نیروهای نظامی کشوری که هم مذهب جمعیت شهری است، مأموریت ها و وظایفی که مستلزم روابط نزدیک با غیرنظامیان است واگذار می گردد. در این وضعیت نیروهای نظامی سایر کشورها عهده دار وظایف و مأموریت هایی خواهند شد که آنها را از جمعیت دور می سازد. در واگذاری وظایفی که مستلزم دیپلماسی و همکاری نزدیک با غیرنظامیان است، از نیروهای کشوری که از نظر تاریخی در تضاد و دشمنی با جمعیت غیرنظامی است (یا با دشمنان این جمعیت روابط نزدیکی دارد) استفاده نمی شود.

تحلیل

□ نقد شکلی کتاب:

تجارب ده سال گذشته نشان می دهد که دیگر اطلاق صرفاً نیروی پدافندی به سربازان آمریکایی و حمایت از تهاجمات اشغال گرایانه آنان به راحتی امکان پذیر نیست و ظهور توزیع این گونه کتب و توجیه شکست های آمریکاییان از یک سو و افزایش جمعیت شهرها و آسیب پذیر شدن ساختار نیروهای نظامی و فقدان تاکتیک های مناسب برای نبرد در شهرهای بزرگ از سوی دیگر، وضعیت آمریکایی ها را روز به روز مشکل تر می سازد. نویسندگان در کتاب خود نتوانسته است آن بخش از ملاحظات سیاسی که استفاده از نیروی نظامی آمریکا را در مناطق شهری محدودتر و امکان موفقیت او را در عملیات نظامی شهری عراق پیچیده تر نموده است، به خوبی توجیه نموده یا از آن خارج شود و از تلفات و کشتار نیروهای آمریکایی هم چون دیگر جنایات قبلی آمریکا براحتی گذشته است. زیرا تلفات عملیات شهری در جنگ دوم جهانی دارای گستردگی و شدت بالایی بود، اما برای نیروهای عمل کننده در آن کوچکترین اهمیتی نداشت؛ در حالی که اکنون قوانین و مقررات بازدارنده

نظامی، به کارگیری سربازان را در مناطقی که غیرنظامیان در آن حضور دارند با محدودیت های جدی مواجه ساخته است که آمریکا به آن بی اعتنا است. اما جدای از این ضعف ها، دسته بندی و محورهای مورد تأکید نویسنده در این کتاب بسیار منسجم و جالب توجه است و نسبت به دیگر کتاب هایی که در حوزه عملیات شهری نگاشته شده، ارزش های تاکتیکی را برجسته تر نموده و برای علاقه مندان در این رشته، حرف های جدید و قابل اتکایی را بیان می کند.

□ نقد روشی کتاب:

کتاب "جنگ آینده در شهرها" با هدف تحلیل موارد مشخصی از عملیات نظامی در شهرها به رشته تحریر در آمده است در ابتدا، مشخص است که نویسنده در پی یافتن پاسخ این سؤال است که آیا تغییرات به وجود آمده در ماهیت جنگ شهری، برای آمریکا در عراق قابل توجه و با اهمیت است یا خیر؟ چه پیشنهاد های کاربردی و تحلیلی را می توان به ارتش آمریکا ارائه داد تا آن را در دکترین و خط مشی کلی خود در عراق بگنجانند؟

اما نویسنده در کتاب خود از بسیاری از اصول و سئوالات اساسی که باید مطرح کند و پاسخ آن را گامی برای رسیدن به ارائه رویکردها بداند، غافل است که می توانست با توجه به بررسی های تاریخی این نیاز را رفع نماید.

در گام نخست از نگاه نویسنده پرسش هایی که در تنظیم یک دکترین عملیات شهری باید مطرح شود، مورد بی توجهی قرار گرفته است؛ در حالی که مهم این است که چه عواملی در موفقیت یا شکست عملیات های شهری آمریکا در عراق باید مورد مطالعه قرار گرفته و تأثیر تعیین کننده داشته باشند؟

چگونه می توان با یافته های پژوهش های مربوط به جنگ های گذشته در مورد حضور نظامی و عملیاتی آمریکا در عراق مقایسه مثبتی انجام داد؟ به عبارت دیگر، آیا ماهیت جنگ های شهری تجربه شده توسط آمریکا در افغانستان و ویتنام و سومالی تغییر یافته است؟ نویسنده به برخی سئوالات دیگر بی توجه بوده است که می توانست در انگیزه انجام تحقیق او نافذ باشد. از جمله :

۱. آیا در عملیات های آمریکا در بغداد و موصل عوامل مشترکی که بر نتیجه حاصله مؤثر باشند وجود دارد؟
۲. آیا این عوامل با متغیرهای مهم دیگری که در جنگ های شهری پیشین باید مورد بررسی قرار می گرفت تفاوت اساسی دارند؟
۳. چه متغیرهایی بر پیروزی نیروهای آفندی یا پدافندی آمریکا در شهرهای عراق تأثیر تعیین کننده ای دارند؟
۴. حضور مردم و عناصر غیرنظامی در عراق چه تأثیری بر روند عملیات دارد؟
۵. مقررات محدودکننده چگونه بر جریان نبرد تأثیر گذاشته و حائز اهمیت است؟
۶. آیا به کارگیری جنگ افزارها و تجهیزات پیشرفته آمریکایی، تحول اساسی در نتیجه عملیات ایجاد کرده است؟
۷. قدرت هوایی آمریکا چه نقشی در هریک از عملیات های موفق ایفا نموده است؟
۸. آیا به کارگیری نیروهای مرکب، مشترک یا گروه های ائتلافی و چندملیتی لزومی دارد؟
۹. نقش وسایل ارتباط جمعی و رسانه های خبری در این درگیری ها چگونه تعیین می شود؟
۱۰. کدام یک از شهرهای عراق را و تابع چه تدبیری باید در زمره مناطق حساس یا حیاتی محسوب نمود؟

□ نقد و تحلیل محتوایی:

عملیات شهری به عنوان زیر مجموعه عملیات های زمینی بر محور محیط شهری متمرکز است و شامل مجموعه وسیعی از عملیات های زمینی اعم از آفندی، پدافندی، آرام سازی و پشتیبانی می شود و ممکن است به طور متوالی یا همزمان در یک محیط شهری اجرا گردد. از سویی عملیات شهری با توجه به مأموریت، دشمن، زمین، آب و هوا، نیرو، پشتیبانی موجود، زمان در دسترس و ملاحظات

غیر نظامی ممکن به طور گسترده در منطقه شهری انجام گیرد. وقوع برخی از تجاوزات نظامی آمریکا در مناطق عراق و افغانستان و زمین گیر شدن آن در شهرهای بزرگ این کشورها، سبب شده است تا افرادی هم چون "آلیس هیلز" به این مسأله علاقمند شوند و جنگ در مناطق شهری برای دانشگاه های نظامی آنان نیز جذاب باشد. آلیس هیلز در این کتاب به چند نکته مهم در کنار تهاجم آمریکا به عراق بی توجهی نموده است؛ نکته اول آنکه اصولاً نظامیان آمریکایی به محیط شهری علاقه دارند؛ زیرا آنان ترجیح می دهند در مناطق شهری مستقر شوند تا از مزیت های محیط بهره برداری کنند؛ اما در مقایسه با نیروهای آمریکایی، نیروی مقابل، با تجزیه و تحلیل عوامل مختلف موقعیت، مشخص می کند که آیا مردم باید اجازه دهند تا او به منطقه شهری وارد شود و سپس به سربازان او هجوم آورند و او را نابود سازد و توان رزم لازم را برای تقسیم مناطق و تجزیه آن اختصاص دهد. این نکته ای بود که صدام در جلب همکاری عناصر القاعده بر روی آن برنامه ریزی کرده بود و نظامیان آمریکایی را در باتلاق عراق فرو برد. از سوئی دیگر، هر چند زیرساخت ها، قابلیت ها و دیگر منابع موجود در مناطق شهری عراق به دلیل دستگاه های سیاسی و مدیریتی، دارای ارزش راهبردی و یا عملیاتی چشمگیری هستند؛ ولی اهمیت سمبلیک حضور آمریکاییان در آنجا آن نشانگر مرحله ای از طی موفقیت عملیات آمریکایی ها بود؛ زیرا آنها می توانستند مکان جغرافیایی مناطق شهری را نشانگر تسلط سرزمینی خود برشمارند. نکته دیگر که آلیس هیلز در قبال آن بی توجه ماند، آن بود که امروزه پیشرفت های فناوری، سیاسی و اجتماعی دهه های اخیر، لزوم به کارگیری ماهرانه اطلاعات در عملیات شهری را اجتناب ناپذیر می نماید؛ زیرا اکنون جنگ ها در پوشش مسائل انسان دوستانه صورت گرفته و توجیه می شوند. ولی وقتی این پوشش شکسته شود، چهره واقعی متجاوز عریان می شود. در عراق بارها شاهد بودیم که مردم عناصر مخالف آمریکا را در میان خود پنهان ساخته و پوشش لازم را برای آنان فراهم نمودند. آنها در ادامه این همکاری به راحتی می توانند اطلاعات ضروری را در اختیار عناصر بعثی، القاعده یا شیعیان مخالف آمریکا قرار دهند و یا ممکن است با کشته شدن آنها در برابر دوربین های تلویزیونی، افکار عمومی علیه سیاست های آمریکا تحریک گردد. پس بدیهی است

که حضور غیرنظامیان در میدان های نبرد شهری، شرایط تاکتیکی و راهبردی جنگ را پیچیده تر ساخته است. اراده مردمی برای ادامه جنگ نیز به طور روز افزون تحت تأثیر امور غیرنظامی با تبلیغات و امور فرهنگی، عملیات روانی، نحوه کنترل رسانه های خبری، تعدیل مقررات در رزم و در یک کلمه عملیات اطلاعاتی قرار دارد.

حضور غیرنظامیان عراقی در مناطق شهری درگیر، بر تاکتیکها، نحوه طرح ریزی، مقررات جنگی، و راهبرد سیاسی- نظامی تأثیر قابل ملاحظه ای بر جای می گذارد. جمعیت انبوه آنان، نقش فعالی در رزم شهری به عهده گرفته، قوانین و مقررات را محدودتر ساخته و رسانه ها را به سوی خود جذب می کند.

تجربه نشان داده است که تعدیل در مقررات رزم، به ویژه در جنگ های بزرگ و گسترده همانند عراق بسیار دشوار است. زیرا هرگاه قوانین و مقررات در عملیات شهری موجب کشتار زنان و کودکان و وارد آمدن تلفات و خسارات دو جانبه (به نیروهای مردمی و آمریکایی) می گردد، سایر عوامل دخیل در عملیات شهری از قبیل رسانه ها و کارکردهای اطلاعاتی گروه های عراقی می توانند از شرایط به وجود آمده به نفع خود بهره برداری نمایند. هر چند در این میان وضع مقررات جنگی بر تاکتیک های رزمی تأثیر گذاشته و مانع از به کارگیری تانک، توپ، هواپیما یا بالگرد در جنگ شهری می گردند. در نتیجه تاکتیک ها، تکنیک ها و راهکارهای عملیات شهری، گاه بیش از آنکه منطبق بر اصول نظامی باشند، حداقل قبل از بروز تلفات گسترده، پیرو منطق سیاسی خواهند بود. خوانندگان محترم می توانند در کسب اطلاعات و تأیید موارد بیشتر، به مطالب فراوانی که در این باره به رشته تحریر در آمده است، مراجعه نمایند؛ از جمله "جان ای مولر (۱۹۹۳)" با بررسی اطلاعات مربوط به جنگ اول عراق و حضور عراق در شهرهای کویت به این نتیجه رسید که تبلیغ افزایش تلفات، بهترین وسیله پیش بینی کاهش حمایت سیاسی مردم از جنگ می باشد. همچنین "کارتنر" و "سگورا (۱۹۹۸)" مدعی شده اند که با مطالعه روند افزایش یا کاهش تلفات انسانی می توان آینده جنگ را پیش بینی کرد. به عبارت دیگر حجم تلفات می تواند مدت زمان ادامه جنگ و پایان آن را مشخص سازد.

"اسکات سیگموند" در کتاب " کاهش نتایج گرایش به دمکراسی ناشی از جنگ عراق " می نویسد:

"تأثیرات نامطلوب جنگ بر روی میزان حمایت سیاسی مردم همانند سایر خسارات ناشی از جنگ در مرحله تصمیم گیری حائز اهمیت است. این تصور که پشتیبانی سیاسی مردمی و افکار عمومی بر چگونگی تصمیم گیری مقامات مؤثر می باشد، مدت ها است که مورد بحث واقع شده است. نتیجه منطقی این بحث ها این بوده است که در بیشتر موارد به خصوص در بحران های کوتاه مدت، تصمیمات سیاست خارجی ایالات متحده بدون در نظر گرفتن افکار عمومی اخذ گردیده است. به عنوان مثال، در طول جنگ خلیج فارس، تصاویر مربوط به اجساد ۳۰۰ تن از غیرنظامیان که در بمباران یکی از سنگرهای اجتماعی بغداد کشته شده بودند، منجر به محدود نمودن بمباران هدفدار آینده گردید. البته این محل به عنوان پناهگاه عمومی در مواقع بمباران مورد استفاده قرار می گرفت."

"راسل گلن (۱۹۹۹)" در تبیین این موضوع به عملیات سنول (۱۹۵۰) اشاره کرده است. در این عملیات نیروهای آمریکایی با همکاری ارتش کره جنوبی توانستند شهر یک میلیونی سنول رامجداً به تصرف خود در آورند. این مأموریت با به کار گرفتن یک نیروی نظامی بزرگ به استعداد یک میلیون نفر (برابر با جمعیت سنول) امکان پذیر گردید. اینک توان ارتش کره جنوبی به کمتر از ۵۰۰ هزار نفر کاهش یافته است؛ درحالی که جمعیت شهر سنول از مرز ۱۳ میلیون تن نیز فراتر است و این معادله در صورت تکرار، دیگر موفق نخواهد بود. اصولاً تحولی اساسی در عملیات های شهری ایجاد شده و امکان ظهور موفقیت همچون گذشته نادر است. آلیس هیلز باید در کتاب خود توجه می نمود که امروز دیگر امکان استفاده از تجربه عملیات های شهری در جنگ جهانی دوم، همچون برلین (۱۹۵۳)، بوداپست (۱۹۵۶)، پراگ (۱۹۶۸) و کابل (۱۹۷۹) قابل تکرار نیست. حتی ارتش سری متفقین که دکتترین مبسوطی را در زمینه جنگ های ضد شورش با استفاده از تجربیات نبردهای غیرخطی در این شهرها تدوین کرده و بر تاکتیک هایی همچون تک های نفوذی سریع، تاخت و کمین با تکیه بر یگان های کوچک و پرتحرک، تهاجم هوایی

و هوارد تأکید داشتند، دیگر عنصر کلیدی در عملیات های ضد شورش شهری محسوب نمی شود و اجرای عملیات توسط تیپ ها و گردان های مستقل هم نمی تواند آن ها را در عراق موفق سازد و همین گونه نیز اتفاق خواهد افتاد.

نکته مهم دیگر، آن است که بروز ناکامی های متعدد نظامی و عدم موفقیت رهبری سیاسی آمریکا در تفهیم افکار عمومی داخلی خود درباره تهدیداتی که علیه منافع ملی این کشور وجود دارد آستانه تحمل مردم آمریکا را نسبت به تلفات انسانی کاهش داده است. تعیین اهداف روشن قبل از شروع هرگونه عملیات نظامی، جلوگیری از طولانی تر شدن زمان اجرای مأموریت و داشتن یک راهبرد خروج از بحران و همچنین فقدان یک رهبری منسجم سیاسی در روحیه سربازان و فرماندهان یگان های عمل کننده در شهرها نقش منفی داشته است و به نظر می رسد که نویسنده کتاب کمتر به این نکته توجه داشته و همین عنصر ناکامی های فراوانی را برای این کتاب رقم زده است. نکته دیگری که کمرنگی و ابهام زیادی را در کتاب به نمایش می گذارد، پاره ای از عوامل است که به طور سنتی در جنگ های شهری دنیا مد نظر قرار می گرفتند؛ (مانند قدرت هوایی، استفاده از نیروی مرکب، آگاهی نسبت به وضعیت و فناوری نظامی) علی رغم تأکید نویسنده، دیگر همانند دهه های پیشین به عنوان متغیرهای دخیل در نتیجه عملیات در شهرها شناخته نمی شوند. کشتن افراد غیر نظامی، دیگر به عنوان مهم ترین عامل تضعیف کننده اراده مردم عراق برای نبرد علیه اشغالگران محسوب نمی شود. نمونه این رفتار را در الجزیره و در بغداد به عینه مشاهده می کنیم. در طول یک دهه گذشته، به کارگیری تجهیزات زرهی و توپخانه در کنار نیروهای پیاده، هیچ گاه نتوانسته است وجود محدودیت های سیاسی را نادیده بگیرد و همانند سال های پس از جنگ جهانی دوم، هیچ هدفی را به نحو مطلوب برآورده نساخته است. با این حال مطالعه دقیق جنگ های شهری دهه گذشته، ثابت می کند که میزان نقش و تأثیر عوامل یاد شده، علی رغم تغییر هنوز هم قابل اتکاست. برخلاف نگاه آلیس هیلز، پیشرفت های فناورانه مهمی که در عملیات شهری به کار گرفته شده اند، هنوز نیز نتوانسته آسیب پذیری دشمن را در شهرها برطرف سازد و چنانچه محققین مسائل نظامی در آمریکا نتوانند پیشرفت ویا اصلاحاتی را در زمینه به کارگیری جنگ

افزارهای هوشمند، فرماندهی و کنترل و ارتباطات به عمل آورند، به کارگیری نیروی نظامی در عملیات شهری به جز تلفات و تبعات سیاسی- نظامی باید به یک عقب نشینی، علی رغم محدودیت های سیاسی موجود و به یک انتخاب مفتضحانه و یا انعطاف پذیرتر تبدیل شود و یا اینکه به عنوان مثال، کاربرد روانی نیروی نظامی را براساس تشخیص و تمایز فیما بین، سطح دلسوزی نیروی القاعده برای مردم عراق و حاکمان آن را به گونه ای متحول ساخت که امکان درگیر شدن با عناصر القاعده در میان انبوه مردم ایجاد و به آن پرداختند. همان گونه که به نظر می رسد، در این زمینه موفقیت هایی را نیز تجربه کرده اند و در حال تجربه روش های دیگری هستند که به کمک آنها بتوان عملیات شهری را با دقت و تفکیک بهتری به انجام رساند. به عنوان مثال، استفاده از امکانات و سلاح های غیر مرگبار یا ناتوان کننده امیدهایی را برای دستگیری آسان تر عناصر القاعده یا دیگر غیرنظامیان به وجود آورده بود. آنچه مسلم است ایجاد اصلاحات و تعدیل در جنگ افزارها، تجهیزات و تاکتیک ها، تنها بخشی از مسأله را تشکیل می دهد. آنچه مهم تر است، دستیابی به یک رویکرد جامع درباره اهمیت و نقش عوامل مرتبط با اطلاعات (رسانه ها، قوانین و مقررات، غیرنظامیان، تبلیغات و امور غیرنظامی) می باشد. مهم تر اینکه، راهبرد سیاسی- نظامی امروزه برخلاف گذشته، توانسته است به عنوان حلقه ارتباط بین تمامی عوامل یاد شده در پی تأثیرگذاری و کنترل اراده جنگی مردم باشد. در عصر کنونی که می توان آن را عصر جنگ های محدود نامید، تلاش برای در اختیار گرفتن اراده مردم و چریک های مردمی، مستلزم یک نگرش سازمان یافته است که بتواند فعالیت های مرتبط با اطلاعات را با به کارگیری سلاح های قابل استفاده در عملیات شهری تلفیق نماید.



شروہ شگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی